

عینین به عنوان یکی از روستاهای آباد یا نخلستانهای بسیار در ناحیه تاریخی بحرین در جزیره العرب یاد شده است (ابوعبید، ۹۸۶/۳؛ یاقوت، ۷۶۵/۳؛ قاموس، ذیل العین).

در ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م یکی از قبیله‌های بنی خالد با اجازه مقامات عثمانی از قطر به عینین مهاجرت کردند (کحاله، ۲۴۷؛ وهبه، ۶۸؛ نیز نک: لاریمر، VIII(2)/1013). این قبیله که به یوعینین شهرت داشتند، از سنیهای مالکی بودند که به صید مروارید و دیگر فعالیت‌های دریایی اشتغال داشتند. آنان باعث آبادانی و رونق بازرگانی این منطقه شدند، تا جایی که جیل در آن دوران به یکی از امیرنشینهای چهارگانه احساء بدل گردید (کحاله، وهبه، همانجاها؛ نیز نک: EI²).

در ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م طی معاهده‌ای که میان بریتانیا و عثمانی بسته شد، حاکمیت سعودیها بر جیل و چند منطقه دیگر عربستان به رسمیت شناخته شد و عبدالعزیز آل سعود رسماً بر جیل دست یافت (ریحانی، ۱۹۰-۱۹۴؛ وهبه، ۳۳۱). جیل تا ۱۳۴۰ق/۱۹۲۷م رونق اقتصادی و اهمیت چندانی نداشت، اما در آن سال به واسطه کشمکشهای اقتصادی میان نجد و کویت، این شهر به سبب موقعیت بازرگانی و صیادی مناسب، اعتبار و رونق فراوان یافت (کحاله، همانجا؛ وهبه، ۶۸). با افتتاح مجموعه عظیم صنعتی جیل در اواخر سال ۱۳۵۶ش/۱۹۷۷م این شهر، به یکی از بزرگ‌ترین کانونهای صنعتی عربستان سعودی بدل گشت (نک: شاتولس، ۱۴۳ بی).

مآخذ: ابوعبید بکری، عبدالله، معجم المستعجم، به کوشش مصطفی سقا، قاهره، ۱۳۶۸ق/۱۹۴۹م؛ ریحانی، امین، تاریخ نجد الحديث و ملحقاته، بیروت، ۱۹۲۸م؛ شاتولس، میشل، «از درآمد نفت تا توسعه اقتصادی»، شبه جزیره عربستان در عصر حاضر، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، ۱۳۷۸ش، ج ۱؛ عبید، عبدالرحمان، الجیل: ماضیها و حاضرها، ریاض، ۲۰۰۰؛ قاموس؛ کحاله، عمر رضا، جغرافیه شبه جزیره العرب، به کوشش احمدعلی، قاهره، ۱۳۸۴ق/۱۹۶۴م؛ «مینه الجیل التجاری»، جیل^۲ (نک: مل)؛ وهبه، حافظ، جزیره العرب فی القرن العشرين، قاهره، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م؛ حاجری، فریال، «بعض ملامح الخریطة الصناعیة لمدينة الجیل الصناعیة»، مجلة دراسات الخليج و الجزيرة العربیة، کویت، ۱۹۹۸م، س ۲۳، شه ۹۱؛ یاقوت، بلدان؛ نیز:

EI²; Encarta Reference Library, 2005; Jubail Commercial Port, www.ports.gov.sa/Arabic/jubail/index.htm; The Kingdom of Saudi Arabia, ed. T. C. G.-Stacey-et al. London, 1977; Lorimer, J. G., Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central-Arabia, Oxford, 1986; Sparrow, J. G., Modern Saudi Arabia, London, 1970; The World Gazetteer, www.world-gazetteer.com.

پرویز امین

جَبیلَه، شهری کوچک در نجد عربستان. این شهر در دشتی هوار در کرانه چپ وادی (رودخانه) حنیفه میان شهرهای عَینَته و درعیه تقریباً در ۳۰ کیلومتری شمال غربی ریاض واقع است. از نزدیکی این شهر دو جاده مهم که به ریاض منتهی

الحضارات العربیة، بیروت، ۱۹۹۹م؛ عمادالدین کاتب، محمد، الفتح القسی فی الفتح القدسی، به کوشش محمد محمود صبح، بیروت، المدار القومیة للطباعة و النشر؛ عبید عتیق؛ قدامة بن جعفر، «الخراج»، همراء الممالک و الممالک (نک: هد، ابن خردادبه)؛ مقریزی، احمد، السلوک، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م؛ ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تیران، ۱۳۵۶ش؛ یاقوت، بلدان؛ یعقوبی، احمد، «البلدان»، همراء الاعلاق النقیسة ابن رسته، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۱م؛ نیز:

Baladiat, www.baladiat.com/bejje.html; EI²; Grousset, R., Histoire des croisades et du royaume Franc de Jerusalem, Paris, 1936; Hitti, Ph. K., History of Syria, London, 1957; Runciman, S., A History of the Crusades, Cambridge, 1951-1954; Smail, R. C., The Crusaders in Syria and The Holy Land, London, 1973; The World Gazetteer, www.world-gazetteer.com.

پرویز امین

جَبیل، شهری بندری در استان الشریقه در عربستان سعودی واقع در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس. این شهر صنعتی با جمعیتی حدود ۲۷۰۳۳۰ تن (۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م) در ۸۰ کیلومتری شمال غربی دمام (مرکز استان الشریقه) جای دارد («فرهنگ...»، «مینه...» بش).

جیل در زبان عربی به معنای «کوه کوچک» است. نام این شهر برگرفته از دو کوه کوچک در نزدیکی این شهر است. یکی از کوهها به نام جبل بحری، در واقع جزیره‌ای صخره‌ای در حدود ۱۰۰ متری ساحل است و دیگری جبل بیری که تپه‌ای در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر جیل است (EI²؛ عبید، ۶۳، ۷۰-۷۱، ۸۷).

توسعه جیل از نیمه نخست سده ۱۴ق/۲۰م با کشف منابع نفت خام و گاز طبیعی در نواحی شرقی عربستان آغاز شد. این شهر به سبب موقعیت مناسب جغرافیایی از آن جمله نزدیکی به معادن نفت و گاز، ژرفای مناسب آب دریا که پهلوگیری کشتیهای اقیانوس پیما را در آن ممکن ساخته، و قرار گرفتن بر سر راههای ارتباطی مهم، به یکی از مراکز عمده صنعتی عربستان بدل شده است (هاجری، ۱۱۱-۱۱۵؛ اسپارو، 55؛ انکارتا^۱).

صنایع شیمیایی، فولادسازی، آلومینیوم و پالایشگاه نفت از مهم‌ترین صنایع جیل است. همچنین در این شهر یکی از بزرگ‌ترین تأسیسات آب شیرین‌سازی جهان برپا است که حدود ۷۵۰ آب آشامیدنی عربستان سعودی را تأمین می‌کند (همانجا؛ نیز نک: شاتولس، ۱۴۷؛ «پادشاهی...»، 29, 243).

براساس آثار باستانی به دست آمده از جیل، سابقه زندگی انسان در این منطقه به ۷ هزار سال پیش می‌رسد. در جیل بقایایی از یک کلیسا وجود دارد که پیشینه آن به اوایل دوره مسیحیت بازمی‌گردد (انکارتا). این شهر در گذشته عینین - به معنای «دو چشمه» - خوانده می‌شده که برگرفته از دو چشمه جوشان در آنجا بوده است (EI²). در منابع دوره اسلامی از

10 Emül 2017

1. The World ...
2. Encarta...
3. The Kingdom...
4. Jubail...

ISAM DM.

258040

نهمم، تهران، ۱۳۹۵

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد .

CÜBEYL 86-961783

(Muslimün fi Jubayl wa-kisrawān)

المسلمون في جبيل وكسروان : مقابلات ،
بحوث ، وقائع و اخداث ، خطب الجمعة
و خطب اخرى ، مؤتمرات و لقاءات ،
بيانات و تصاريح صحفية ، فتاوى ،
و نداء اخير • - بيروت ، لبنان :
المكتبة الاسلامية الجبيلية ، 1985 .

127 p. : ill. ; 20 cm.

Includes bibliographical references.

\$4.00 (U.S.)

Shiites in Jubayl and Kisrawan,
Lebanon.

L&S-Soc.

1785 PAMPANINI, A.H. *Cities from the Arabian desert: the building of Jubail and Yanbu in Saudi Arabia.*
Westport: Praeger, 1997. 209pp.

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA SELEN DOKÜMAN

26 AGUSTOS 1991

ilim dalı : COG

madde : CÜBEYL

A. Br. : c. 7 , s. 238

B. L. : c. , s.

F. A. : c. , s.

M. L. : c. 11 , s. 104

T. A. : c. 11 , s. bk Cübeyl

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA SELEN DOKÜMAN

28 MAYIS 1993

03753 SCHARABI, Moh. The new town of Jubail and the civic centre at Jeddah. *Islamic Cairo*, ed. M. Meinecke, London, 1980, pp. 100-104.

x Cübeyl
Cidde

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA SELEN DOKÜMAN

1674 SUTHERS, J.R. Air and water pollution in Jubail. *The environmental and health impact of the Kuwaiti oil fires. Proceedings of an international symposium held at the University of Birmingham ... 1991.* Ed. Ahmed K.S.al-Shatti & J.M.Harrington. Birmingham: Institute of Occupational Health, University of Birmingham, 1992, pp.32-39

02 ŞUBAT 1994

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA SELEN DOKÜMAN

191 MAYIS 1993

SCHARABI, Moh. The new town of Jubail and the civic centre at Jeddah. *Islamic Cairo*, ed. M. Meinecke, London, 1980, pp. 100-104.

جبیل (۲)

۶۹۳

بارش و شوری خاک، از نوع بوته‌ای است (ععید، ص ۲۲-۲۳). جمعیت جبیل در ۱۳۷۹ ش، ۱۴۰۸۲۸ تن ضبط شده که عمدتاً از قبیله آل بو عینین (ع ادامه مقاله) و خاندانهای معروف تشکیل شده، که از آن جمله است: آل خاطر، آل محمد، آل علی، آل راشد، و گروههایی از اهالی نجد مشتمل بر خاندانهایی چون قسیم، وشم و سُدیر، که از مرکز شبه جزیره عربستان به آنجا رفته‌اند (ععید، ص ۱۳۱؛ اطلس المملكة العربية السعودية، ص ۱۴). در این شهر ۲۱ مسجد و ۷ مسجد جامع و دو بیمارستان فعال است (عتیبی، ص ۲۹۵).

جبیل با جاده‌های جدید الاحداث، از جمله آزادراه دمام - جبیل و دمام - حفرباطن، که از نزدیکی جبیل می‌گذرد، به مراکز صادراتی و پالایشگاهی عربستان، مرتبط می‌شود. دولت عربستان برای اهداف اقتصادی و اتکا نکردن به درآمدهای نفتی، شهر صنعتی جبیل را در برنامه پنج ساله دوم (۱۳۵۴-۱۳۵۸ ش) طراحی و از ۱۳۵۵ ش بنای آن را آغاز کرد (عتیبی، ص ۲۶۱؛ هاجری، ص ۱۰۸).

برخی عوامل که موجب شد این شهر صنعتی، در مساحت حدود ۱۰۳۰ کیلومتر مربع، در جبیل احداث شود، عبارت‌اند از: عمق آب دریا، که برای پهلوگیری کشتیهای بزرگ حمل و نقل مناسب است؛ نزدیکی به مواد اولیه، مثل نفت و گاز، و سهولت حمل و نقل آنها با قیمت مناسب؛ امکان استفاده از آب دریا برای خنک‌سازی دستگاههای صنعتی؛ و همواری زمین برای احداث کارخانه‌های صنعتی (عتیبی، ص ۲۹۵؛ هاجری، ص ۱۱۱-۱۱۳). شهر صنعتی جبیل مشتمل است بر: منطقه صنعتی با مساحت حدود هشتاد کیلومتر مربع و نوزده کارخانه در صنایع پایه و ۱۳۶ کارخانه در صنایع جانبی؛ منطقه مسکونی، شامل هشت ناحیه شهری با چهل هزار سکنه (ظرفیت نهایی ۳۷۵۰۰۰ تن)، که به صورت پیشرفتگی در آب خلیج فارس بنا شده است؛ فرودگاه، با مساحتی در حدود ۲۵۰ کیلومتر مربع، برای حمل و نقل مسافر و کالا؛ منطقه تفریحی، با مساحتی در حدود ۲۰۴ کیلومتر مربع، در مغرب منطقه صنعتی؛ و جزیره باطنه که گردشگاه عمومی شهر است و باغهای طبیعی، باغ وحش، محل پرورش نباتات، اماکن صید ماهی و قایقرانی دارد (الموسوعة العربية العالمية، ذیل ماده؛ نیز ع الموسوعة العربية، ذیل ماده).

از تولیدات عمده صنایع جبیل، آهن، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمیایی، رنگ، کود، دارو و مواد بهداشتی است. همچنین با ایجاد تله بارانداز (هرکدام به طول ۲۵۰ متر) و چهار سکوی نفتی، که مختص کشتیهای بزرگ است و با چند موج شکن از آن

جبیل (۲)، شهر صنعتی و بندری در مشرق عربستان عودی، در ساحل جنوبی خلیج فارس. جبیل در حدود ۴۶۵ کیلومتری شمال شرقی شهر ریاض و حدود هشتاد کیلومتری شمال شهر دمام (مرکز اداری منطقه شرقیه)، در ۳۹° ۴۹ طول شرقی و ۲۷° عرض شمالی، در ساحلی بازمینهای پست و هموار و ماسه‌ای واقع شده و صحرای بیضاء در جنوب آن است. زمینهای نزدیک شهر شوره‌زارهایی است که از آنها نمک تهیه می‌شود (حمزه، ص ۵۲). به جز تپه عینین به ارتفاع ۹۷ متر در حدود هفت کیلومتری جنوب شهر، بقیه اراضی و توابع شهر ارتفاع چندانی از سطح دریا ندارند. در شمال این شهر (در خلیج فارس)، چندین خلیج کوچک (به زبان محلی: دوحه) از جمله خلیج ابوعلی، چند دماغه از جمله ابوعلی و غار، و چند جزیره، از جمله ابوعلی، باطنه، حویلات شلمیه، جتا/جته و جرید، قرار دارد.

در طول سال چند نوع باد از جبیل می‌گذرد، مانند بادهای مرطوب شمالی و شمال غربی که با انتقال دود کارخانه‌ها، هوای شهر را آلوده می‌کنند؛ بادهای جنوبی و جنوب شرقی، معروف به بادهای آلكوس، که مناطق مسکونی واقع در شمال شرق مناطق صنعتی جبیل (ع ادامه مقاله) را آلوده می‌کنند و علاوه بر آن موجب افزایش دما می‌شوند؛ بادهای مرطوب که از مشرق، پس از عبور از خلیج فارس، به این منطقه می‌وزند؛ بادهایی که از جانب ریح الخالی* می‌وزند و به بادهای سموم معروف‌اند و بادهای خنک شمال شرقی که از جانب سبیری می‌وزند و موجب کاهش دما می‌گردند (هاجری، ص ۱۱۳؛ ععید، ص ۲۰-۲۲).

جبیل در منطقه کم باران با آب و هوای گرم قرار دارد. میانگین دمای سالانه آن ۲۵ است. دمای آن در تابستانها گاهی به ۴۲ می‌رسد و در زمستانها هوای آن معتدل است. میزان بارش سالانه آنجا نیز اندک (۷۳ میلیمتر) و در طول سال پراکنده است (ععید، ص ۲۰، ۲۴). آب مصرفی اهالی جبیل سابقاً از طریق چشمه غمسه و چاه طویه تأمین می‌شد؛ غمسه چشمه‌ای دریایی در مجاورت بحرین بود و غواصان برای دستیابی به آب شیرین آن، به عمق دریا می‌رفتند. با حفر چاههای آرتزین^۱ در ۱۳۱۰ ش و ایجاد تصفیه‌خانه آب شیرین - که بزرگ‌ترین تصفیه‌خانه آب شیرین جهان است و مازاد مصرفی آن به شهرهای بسیاری منتقل می‌شود - از روشهای جدید برای تأمین آب شهر جبیل استفاده می‌شود (حواس، ص ۸۹۶-۸۹۷؛ ععید، ص ۲۴-۲۵). پوشش گیاهی این منطقه، به سبب خشکی هوا و کمی

الدر المرصوف
في

تاريخ الشوف

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Enstitüsü	
Kayıt No:	6720
Tasnif No:	956.91 MUN.D

Cezzar Ahmed
paşa

ورأوا أن الفرج بعيد، فراسلوا أحمد باشا الجزار وطلبوا منه الامان. فأجابهم بالرضى والقبول ودعاهم اليه. فحضرهم جميعهم، فأكرمهم وطيب قلوبهم وقرض لهم نفقات كافية، وأقاموا عنده مستأمنين. وبعد حين من الدهر، حضر منهم اناس الى صيدا ينتظرون ما يكون من تصارييف الأيام.

وكان الامير بشير قد ضبط املاكهم، وأملاك اولاد الامير يوسف، ووزع بعضها على المشايخ الجنبلاطية والعمادية، والبعض من بني عمه. وكان قد تعهد للجزار بثمانية آلاف غرش مقسطة على ست عشرة سنة. فرأى أن محاصيل البلاد لا تفي بذلك، فجمع من البلاد المال السلطاني طاقاً ونصف طاق. وفي آخر السنة فرض شاشية على كل رجل ثلاثة غروش من الدرور والنصارى خلا العقال والرهبان. فأوردت الناس، لكن أهل القرى صاروا يحسبون انفسهم أقل عدداً مما هم. فأقام الطلب على كل مكان بحسب كثرة أهله وقتلهم، من غير اعتبار العدد، على شرط التأجيل الى ست عشرة سنة. ودام ذلك الى أن فات الأجل، فجعله مالاً سلطانياً يستورد كل عام. ثم زاد عليها طاقاً فطاقاً، حتى صار ستة أضعاف. وهو الى يومنا هذا كذلك. والعود بالله من الزيادة أيضاً.

وفي هذه السنة بعد غياب الشمس بساعتين، ظهر في السماء شهاب من نار عظيم جداً، مخالفاً هيئة الشهب المعتادة. فأضاء منه الوجود مقدار مدة صلاة الفاتحة. وكان منظرها هائلاً متجهاً من ناحية القبلة الى ناحية الشمال. وتفاءلت (أي خافت) الناس منه. وكان ثمن كيل الحنطة في أيام البيادر من ستة غروش الى سبعة، ثم تناقص فرجع الى الخمسة.

وفي هذه السنة أتى جراد من جهة القبلة وكان كثيراً جداً. فر بسواحل البحر وباض هناك ثم تولد. وكان عاماً من بلاد صغد الى طرابلس. ولما صار يزحف، توجه نحو المشرق وامتد في كل البلاد، وانتهى الى الجرد وبلاد البقاع وبعليك. واتلف غراساً واشجاراً لا تقدير لها. وعطل اعمال الناس لاشتغالهم بتحويله عن أرضهم. ولما نبتت اجنته وصار يطير اتاه الله بطائر السمرم ففناه وافناه. وكان

يفتحوا خليجاً في الأرض تحت القلعة فيهدموها بالبارود. فاحتفروا سرباً تحت الأرض، ولم يقدر الشيخ يوسف أن يمنعهم حتى قربوا من أرض القلعة، فأخرج أناساً يجلسون فوقهم ويضربون بالمطارق والحجارة على الأرض في النهار والليل. ولما سمعوا أولئك من تحتهم توهموا أنهم صاروا تحت القلعة وأن ذلك وقع حوافر الخيل واعمال الخدم، فلم يتقدموا. ووضعوا هناك صناديق شتى من البارود ورتبوها حسب صناعتهم، والقوا عليها النار، فاشتعل البارود وزعزع تلك الأرض، وحمل صحوراً عظيمة وقطعاً من ذلك الجبل. فوقعت على العسكر فقتلت منه خلقاً كثيراً وطلب الباقون الفرار. فخرجت اليهم اصحاب الجرار وقتلوا من أدركوه منهم، واغتنموا كل ما كان معهم من ذخائر وأموال وآلات، فتقووا بها وعادوا الى القلعة. فغضب الجزار على الحفارين وقتلهم جميعاً. وجدد الركبة على القلعة. وما زال ينفق الأموال ويهلك العساكر ولا يظفر بمراده، حتى زالت عنه ولاية دمشق، وتولاهها عبد الله باشا، فقدم له الشيخ يوسف الجرار التقادف الفاخرة، ودفع له الاموال السلطانية المعتادة. فأرسل اليه خلعة الولاية على جبل نابلس، ولم يعد سبيل للجزار عليه.

وفي هذه السنة اتفقت امرأة من زحلة مع رجل على أن يقتل زوجها ويتزوج بها. فأتى الرجل ليلاً، وقام هو والمرأة على زوجها فقتلاه وحمله على دابة ومضى به الى بعض الغوَاب فألقاه هناك ورجع. ليقال أنه قتل في الغابة فلا يتهم بقتله. وكان اهل القتل ينكرون على قاتله أنه يتردد على بيته ولا يحسنون الظن فيه. فلما فقدوا نسيبهم سعوا في طلبه فلم يجدوه، وسألوا المرأة فقالت لا أدري الى أين مضى، ورأوها غير مبالية بأمره فقبضوا عليها وعذبوها، فأقرت بما كان. فأرسل الامير مراد ابن الامير شديد ابي اللمع قتل الرجل والمرأة.

موقعة جبيل

وفي سنة ١٧٩٦ جدد جرجس باز وأولاد الامير يوسف ركبة ثانية على جبيل،

Cobeyf (82-83)

القلاع

أيام الحروب الصليبية

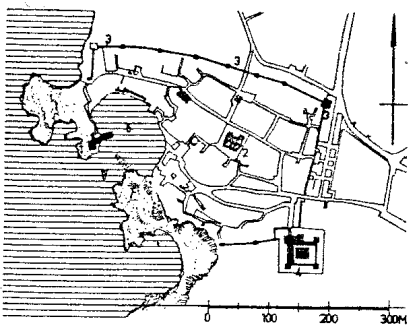
مراجعة
سعيد طيخان

ترجمة
محمد وليد الجلال

Türkiye Dışişleri Bakanlığı İstanbul Arşivleri Genel Müdürlüğü	
1984	720
1984	1115

1984 - Dimesk

دار الفكر

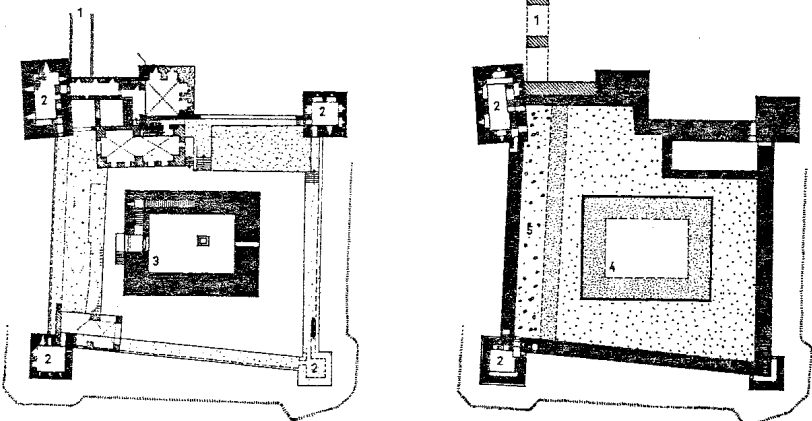


مخطط ١٦ : جيبيل - جبيل

مخطط المدينة ، المقياس ١ / ١٠٠٠٠

- ١ - حصن المرفأ ، ٢ - كنيسة القديس يوحنا ، ٣ -
- بجاية المدينة ، ٤ - القلعة ، ٥ - المرفأ (بالاستناد إلى م .
- دوناند ، حفريات بيبولس I باريز ١٩٢٩) .

0 10 20 30 40 50 60 M



مخطط ١٧ : جيبيل

مخطط أرضي للقلعة (الطابق الأرضي إلى اليسار والأقبية إلى اليمين) المقياس ١ / ١٠٠٠٠ . رحمت الأجزاء التي بناها الفرنجة بالأسود ، والتي شيدها العرب بالهش.

- ١ - النفذ إلى القلعة (عن طريق جسر) ، ٢ - الأبراج
- الزاوية مع بوابات جانبية ، ٣ - برج محصن ، ٤ - خزان في قبو
- البرج المحصن ، ٥ - عقود من ديش الحجارة (مستودع) .
- (بالاستناد إلى دو شامب ، القصور I ، ص ٥٠ ، وقياسات المؤلف) .

جيبيل JBAIL

اللوحات ٨٥ - ٨٧

بالعربية جَيْبِلْ وَجَيْبِلْ .

باليونانية بيبولس Byblos ، بالفرنجية جيبيلة Giblet, Gibelet .

الوصف :

مدينة وقلعة على الساحل اللبناني مع مرفأ صغير جيد الحماية ، بني في موقع مرفأ بيبولس الفينيقي القديم . وهذه المدينة ، على العكس من المستوطنة الأصلية ، تحتضن المرفأ الصغير كلية ، وهي ذاتها محاطة بسور خارجي بسيط معزز بالأبراج . تنتصب القلعة في الزاوية الجنوبية الشرقية للمدينة الصغيرة . أحيط البرج المشيد من حجارة كبيرة متداخلة بمجدار ساتر من جميع جوانبه ، وقوي ببريجات زاوية صغيرة . أما البوابة فحمية ببرج خاص متميز في منتصف الواجهة الشمالية .

خضعت القلعة لتعديلات صغيرة أثناء الحكم العثماني .

التاريخ :

١١٠٣ . بعد أن استولى الفرنجة على طرطوس حاصر ريمون دوسان جيبيل (صنجيل) جيبيل بمساعدة السفن الجنوبية ، واستولى على المدينة بهجوم صاعق يوم ٢٨ نيسان .

حصل الجنويون على ثلث جيبيل لقاء خدماتهم التي قدموها ، وفي العام ١١٠٩ وبعد الاستيلاء على طرابلس تمكنوا المدينة كلها . وعهد بجيبيل إلى نبيل جنوي اسمه (أوغو أومبرياكو Ugo Umbrico) الذي تولى إدارتها بادئ ذي بدء وفق السلوك المتبع في مدينته مسقط رأسه . وحافظ ورثته على المدينة كأملك موروثه .

ربما كانت الأجزاء الأولى من القلعة تعود في تاريخها إلى القرن الثاني عشر .

١١٧٠ . خربت المدينة بزلزال شديد .

١١٨٨ . حصل صلاح الدين على المدينة والقلعة كهدية مقابل إطلاق سراح هيوغوس الثالث كونت جيبيل Hugues III de Giblet .

١١٩٠ . دفعت الأنباء الواردة عن اقتراب الإمبراطور فريديريك الأول (برباروسا) وجيشه السلطان صلاح الدين إلى تعرية جيبيل من تحصيناتها .

١١٩٧ - ١١٩٨ . استعاد غي الأول صاحب جيبيل ملكيته لمقر العائلة وأعاد بناء دفاعاتها .

١٣٩٩ . أغارت سفن القبارصة على المدينة قادمة من فماغوستا .

لم تلعب جيبيل أي دور آخر في تاريخ البلاد . حدثت تعديلات صغيرة متتالية لمصلحة حاميتها الصغيرة التي تركزت فيها أثناء الحكم العثماني .

المراجع :

- ف . برشم - فاشيو ، الرحلة I ، ١٠٥ - ١١٣ .
انلارت ، الصروح التذكارية II ، ١١٦ - ١٢٤ .
ي . ج . راي ، أصحاب جيبيل بالفرنجية أو اللاتينية ، ١٨٩٥ ، ٣٩٨ - ٤٤٣ (تاريخ العائلة) .
الموسوعة الإسلامية (٢) II ، ٥٨٢ - ٥٨٣ (د . سورديل ١٩٦٣) .

Bibliography:

- v. Berchem-Fatio, *Voyage I*, 105-113;
Enlart, *Monuments II*, 116-124;
E. G. Rey, 'Les Seigneurs de Giblet', in:
Rev. Or. Lat. 3, 1895, 398-442 (family history);
Enc. Isl. (2) II, 582-3 (D. Sourdel 1963)